



بنیاد ایران‌شناسی
استان آذربایجان غربی

بسمه تعالی

نگاهی دوباره به موضوع نگارش «ارومیه» و یا «اورمیه»

کدام درست است؟

مناقشه درباره نام شهر تاریخی ارومیه و نگارش درست آن باعث شده است که هر از گاهی از سوی هواداران دو نام «ارومیه» و «اورمیه» موضع گیری‌هایی صورت بگیرد. نگارنده برای گسترش بحث موارد را یادآور می‌شود: برای دوستان عزیز که از «اورمیه» بودن نام شهر زیبای ما دفاع می‌کنند دو نکته را یادآوری می‌کنم. نخست اینکه: ما در منابع تاریخی و جغرافیایی پس از اسلام همچون: صورة الارض ابن حوقل، فتوح البلدان بلاذری، نزهة القلوب مستوفی، التنبیه والاشراف مسعودی، آثار البلاد و اخبار العباد زکریای قزوینی، معجم البلدان یاقوت حموی، المسالک و الممالک استخری و موارد دیگر تا حدود دوره صفوی همواره نام این شهر را «أرمیه» و نام بزرگان منسوب به این شهر را «ارموی» می‌یابیم (همانند صفی الدین ارموی، حسام الدین چلیپی ارموی و حتی در دوره خود ما محدث ارموی). در منابع نوشتاری دوره صفوی که یکی از مهمترین آنها عالم آرای عباسی نوشته منشی شاه عباس بزرگ یعنی اسکندر بیگ ترکمان است نام «ارومی» و «ارومیه» را می‌بینیم که این روند تا پایان دوره قاجار ادامه داشته است چنانچه دوستان به روزنامه انجمن تبریز که در دوره مشروطه توسط انجمن مشروطه تبریز چاپ می‌شد مراجعه نمایند خواهند دید که نام این شهر همچنان «أرومیه» نوشته می‌شده است. در دوره پهلوی هم که نام شهر به رضائیه تغییر یافت در منابع نوشتاری هر کجا نام رضائیه می‌آمد نام پیشین آن یعنی ارومیه را هم یادآوری می‌گردید که به عنوان نمونه در این باره، دوستان می‌توانند به کتاب سرزمین زردشت نوشته مرحوم دهقان مراجعه نمایند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز نام رضائیه توسط هیئت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران بنا به درخواست مردم به ارومیه تغییر یافت و در اصل، نام مصطلح دوره قاجار بازگشت داده شد. با بیان این موضوع خواستم بگویم اینکه ما باور داشته باشیم نام درست شهر ما ارومیه است یا اورمیه می‌بایست باور خود را با منابع تاریخی و جغرافیایی محک بزنیم. و اما یادآوری دوم آنکه: دوستانی که «اورمیه» را به دو جزء «اور» و «میه» درآورده و «اور» را به معنای شهر و «میه» (میه) را آب معنی می‌کنند و آن را با اورشلیم قیاس می‌کنند باید توجه داشته باشند که اینگونه معنا کردن در زبان عبری (از گروه زبانهای سامی هم خانواده با زبانهای عربی و آسوری) است که ارومیه معنای شهر آب پیدا می‌کند همانند اورشلیم که به معنای شهر سلامت (شلیم عبری سلیم عربی است). در اینجا باز دو نکته پیش می‌آید. نخست آنکه:

در طول تاریخ نگارنده ساکنان این منطقه را هیچگاه عبری زبان (زبان یهودیان) نیافته است که نام شهر عبری باشد و دوم آنکه: بیشتر مورخین و جغرافی نگاران سده های نخستین اسلامی که درباره مناطق جغرافیایی ما گزارش داده اند عربی زبان بوده که به علت هم خانواده بودن عربی با عبری با اصطلاحات زبان عبری آشنایی داشته و اگر نام این شهر «اورمیه» می بوده دلیلی نداشته که آن را «أرمیه» بنویسند. همانگونه که اور شلیم را همان اورشلیم نوشته اند.گفتنی است: بنا بر آنچه که نگارنده تا کنون دریافته است، نام «أرمیه» از دو جزء «أرم» («الف» ضمه دار و «را» و «میم» ساکن) و «یه» ترکیب یافته است. جزء دوم این ترکیب یعنی «یه»، پسوندی بر گرفته از عربی است که یکی از کارکردهای این پسوند ساختن اسم مکان است که نمونه آن را در مواردی چون: ترکیه، سوریه، ارمنیه، زعفرانیه، سلیمانیه، کامرانیه، الهیه، فرمانیه، قیطریه و ... می توان نشان داد و شاید بتوان گفت: این پسوند از دوره اسلامی بر روی نام این شهر قرار گرفته است. پس اگر پسوند «یه» را از «أرمیه» حذف کنیم می ماند جزء نخست آن یعنی: «أرم» که ساختار پایه ای و بنیادین «أرمیه» بوده و این شاکله اصلی قابل تجزیه نیست. پس اگر بنا باشد به دنبال معنای نام شهرمان بگردیم می بایست به احتمال قوی و بدون تعصب و حدس و گمان به دنبال معنای «أرم» بگردیم که صد البته با توجه به قدمت تاریخی این شهر کار ساده ای نیست.

و سرانجام آنکه باید توجه داشت مقایسه اورمیه با اورشلیم ناخواسته خود، دادن سندی به رویای صهیونیستها مبنی بر سیطره یهود از نیل تا فرات است که بر نقشه رژیم صهیونیستی در شکل دو نوار آبی بر بالا و پایین ستاره داوودی نقشه بسته است و البته این موضوع تازگی هم ندارد چرا که نود و پنج سال پیش که ارومیه با فاجعه کشتار جیلوهای آسوری مسیحی رانده شده از عثمانی روبرو بود، کشورهای استعماری با استمساک به همین نام «اورمیه» در پی ایجاد کشوری با نام «آسورستان» بودند. که این موضوع را مرحوم تمدن در کتاب تاریخ رضائیه و در ذیل عنوان: «مقصود از تشکیلات قوای مسلحه [جیلوها] چه بود؟» آورده و بنده هم آن را به عنوان گوشه هایی از تاریخ در جایی آورده بودم که در اینجا نیز برای آگاهی بیشتر خواننده گرامی به عنوان حسن ختام دوباره می آورم.

مقصود از تشکیلات قوای مسلحه چه بود؟

در سالهای اخیر قبل از جنگ عمومی، راجع به ملل قدیمه تاریخ هائی، از طرف خارجیا چاپ و توزیع میشد، در این تواریخ، نظر بعضی زمین شناسان و مستشرقین را که برخی ظروف و آثار در بعضی از نقاط مشرق زمین، از زیر خاک بدست آورده بودند، ثبت کرده و مقاصد و دلایل خود را، بر پایه این ظروف و آثار قرار داده، با آب و تاب سخنانی نوشته و عکس آثار مشکوفه را نیز کلیشه کرده و این تاریخها را در دست رس عموم قرار میدادند شاید بعضیها با خواندن آن نوشته ها، تصور

میکردند که آنها از جمله محققین و متخصصین بوده اند که بعضی (بدون نظر و بیطرفانه) درباره آن مطالب بحث و فحص نموده اند.

برخی که دقت نظر داشتند، بامطالعه مطالب آن تواریخ پی میبردند که تحقیقات و نظریات باستانشناسی، آلت دست نویسندگان آن تاریخ شده و نویسنده از دلیل و شاهد آوردن آنها منظور دیگری، در جهت انحراف ذهن و سوابق خوانندگان داشته است.

باید بذكر این نکته باریک پرداخت که سالها قبل از بروز جنگ عمومی، عده ای از سیاسیون خوب می دانستند که آرامش جهان آنروز، تبدیل بطوفان شده و جنگ جهانگیرانه درگیر خواهد شد و دامنه آن تا بکجاها خواهد رسید این بود که درصدد برآمده بودند که برای تحرک احساسات ملل کوچک و فریفتن و آلت دست کردن آنها در آینده، به تحریف های خطرناک مسائل و مدارک موجود، دست زدند و آنها را بصورت تاریخ ملتها درآورده، و نظریه های قدمت تاریخی - نژادی - آثار قدیمه را بقدری ماهرانه و انحراف دهنده در آن تواریخ گنجانیده و در دسترس مردم قرار داده بودند که خواننده بی اطلاع، حتماً گمراه می گردید مثلاً مورخین نامی جهان، در این باره که قوم ماد اولین ملتی است که در آذربایجان ایران زیسته و پایتخت ماد صغیر شهر ارومیه (رضائیه فعلی) بوده است و بعداً زردشت شخصیت روحانی (سیاسی و گیاه شناس و اختر شناس) بزرگ و مشهور در همین سامان متولد شده است و قبر مادرش نیز در دهکده آمبی که عربها امی میگفتند از قراء رضائیه می باشد، ولی در آن تواریخ اینگونه منابع تاریخی را کاملاً دگرگون ساخته حتی درباره نام ارومیه نیز داخل بحث های گمراه کننده شده بودند، و کلمه ارومیه را بصورت اورمیه ذکر کرده و این شکل جدید را از زبان آشور دانسته و معنائی هم برای آن یاد کرده بودند که اورمیه از دو کلمه اور (بزان آشور شهر) و میاه (یعنی آب) درست شده پس اورمیه یعنی شهر آب.

آنوقت برای گمراهی بیشتر خواننده بی اطلاع کلمات اورشلیم، ارومیا را هم مثال آورده بودند در حالی که طبق تواریخ معتبر عربی و ایرانی مانند تاریخ اصطخری حدود العالم و ... از هجرت حضرت محمد (ص) تا امروز ارومیه را با اشکال ارمیه - ارمیا - ارومی ذکر کرده اند و حتی اسامی قبل از اسلام را نیز قبلاً یاد آور شدیم.

متأسفانه بعضی از نویسندگان فاضل نیز نوشته برخی اشخاص و دیگران و لرد گرن [وزیر امور خارجه انگلستان] ها را وحی منزل دانسته بدون توجه بتواریخ معتبر و سیاحتنامه های عرب و عجم گفته آنان را عیناً نقل و حتی روی کاغذ و کتاب نیز آورده اند در حالی که اگر به منابع و ماخذهای مشهور مراجعه میکردند میدیدند که این نوع کتابت: (اورمیه) و بحث در اطراف آن را اختراعات و محدثات اخیر خارجیه می باشد.

بطوریکه در کتب تاریخ نویسندگان قدیم دیده می شود همه برسم الخط ارومیه نوشته شده اصطخری در سالهای ۱۸۹ - ۱۸۱ ابن حوقل ۲۳۹، ۲۴۷ مقدسی ۳۷۵، ۳۸۰ مسعودی جلد اول ۹۷ ابولفداء ۴۲ یاقوت جلد اول ۵۱۳ قزوینی جلد دوم ۱۹۴ مسعودی ۳۲۶ حافظ ایرو ۲۷ ابن مسکوه ۵۳۹. قبل از اسلام مورخین یونان مانند استرابن پنجاه سال قبل از میلاد و سایرین از مورخین یونانی. ابن خردادبه در مسالک و ممالک خود که از مقربان خلیفه معتمد بوده که بااطلاع کامل از مسافت شهرها و ممالک و احوال و اوضاع تجارتي و زراعی آن و منابع ثروت آنانرا تحقیقاً بیان و بررسی باز با همین رسم الخط نوشته.

و با وجود مدارک و مأخذ فراوان باز بعضی از نویسندگان اخیر می نویسند: که بعضیها ارومیه اورمیه هم نوشته اند در اینجا باید پرسید چه کسی نوشته است؟! البته لرد گرزین ها. و همین نوشته های پر از انحراف بود که در مغز بعضی از افراد جایگزین شد و در شهر ارومیه نیز ذهن قوم مسیحی را مشوب ساخت و آنها را که صد سال برادرانه با ایرانیان در جلگه زیبای ارومیه زیسته بودند، از مسلمین جدا نمود، و آنها را بدشمنی با مسلمین و اهالی ارومیه واداشت. یک دفعه آلت سیاست بیگانگان شدند، و در صدد برآمدند که استقلال و خودمختاری برای ارومیه بخواهند، و مقدمه مجلس شورا را در این شهر فراهم آورده و هیئت رئیسه آنها هم تعیین نموده و حزب جمهوری خواه درست کردند و نظامنامه و مرامنامه آنها تعیین نمودند... و مقصد و منظور خود را از ایجاد تشکیلات قوای مسلحه آشکار ساختند ... و همین روشها بود که کسان اسماعیل آقا سمیتگو بعدها بفکر خودمختاری افتادند.

منبع: اوضاع ایران در جنگ جهانی اول یا تاریخ رضائیه، کتابفروشی اسلامی، تمدن، محمد، ۱۳۵۰ ش، ص ۲۰۱، ۲۰۲ و ۲۰۳

بااحترام

محمدرضا محمد قلی زاد

کارشناس بنیاد ایران شناسی شعبه آذربایجان غربی